



طالبان در هرات نظامیان پیشین را از خانه‌های شان کوچ اجباری دادند



پس از روی کار آمدن طالبان و اعلام عفو عمومی از طرف این گروه، مردم به‌خصوص نظامیان پیشین به این فرمان اعتماد کردند و در کشور ماندند. با این حال، عده‌ای با روی کار آمدن طالبان به خاطر زنده ماندن افغانستان را ترک کرده و به کشورهای دیگر مهاجر شدند. عفو عمومی اما در عمل وجود ندارد. نظامیان پیشین به رغم تاکید رهبر طالبان بر رعایت عفو عمومی، هدف قرار می‌گیرند، کشته می‌شوند و آزار می‌بینند. گروه طالبان در ولایت هرات اقدام به کوچ اجباری نظامیان پیشین از خانه‌های دولتی در ساحه فرقه (تأسیسات دولتی) کرده‌اند. شماری از نظامیان پیشین در هرات می‌گویند که طالبان آن‌ها را از خانه‌هایی که چندین سال در آن اقامت داشته‌اند، کوچ اجباری داده‌اند.



طالبان در پی جمع آوری عشر تریاک؛ خسر بره پاکستان نشین ملا عمر سہمش را گرفت

خسر بره پاکستان نشین ملا عمر سہمش را گرفت

القاعده ابزار فشار طالبان بر هند

آتش سوزی در نورستان، چرخ‌بال‌ها در پنجشیر؛ مساله طالبان چیست؟

این آتش ویرانگر و جنگل خوار را طالبان به جان مردم انداخته‌اند. آن‌ها چنان از دشت و کوه به شهر ریخته و مصروف غارت‌اند که اصلاً فرصتی برای فکر کردن در مورد مساله‌ای مانند آتش سوزی در جنگلات دو ولایت کشور را ندارند.



محدودیت‌های طالبان کار آرایشگاه‌های جوزجان را کساد کرده است



مشتریان آرایشگاه‌های زنانه و مردانه در ولایت جوزجان بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است. جوانان در شهر شبرغان، از مداخله طالبان در کارهای شخصی شان شاکي‌اند.

یک طالب که به‌صورت جبری استخدام شده بود، در غزنی فرار کرد

۸ صبح، غزنی: منابع محلی در شهر غزنی می‌گویند که روز جمعه، ۱۳ جوزا، یک قطار اکمالاتی که صدها جوان را از ولایت‌های جنوبی بسیج کرده و به سوی کابل به هدف اشتراک در جنگ پنجشیر انتقال می‌داد، به این شهر رسید. به گفته منابع، هنگامی که این قطار در ساحه روضه، از مربوطات شهر غزنی رسید، یکی از جوانان که به زور هم‌کاب این قطار شده بود، خودش را به بیرون از موتر انداخته و به سمت باغ‌ها فرار کرده است. منبع می‌گوید که طالبان نزدیک به یک ساعت تلاش کردند او را دوباره بازداشت کنند، اما موفق نشدند.

گفته می‌شود طالبان در این قطار، صدها جوان را از بخش‌های مختلف ولایت ارزگان، برای جنگ در پنجشیر به زور سربازگیری کرده‌اند.

این در حالی است پیش از این نیز گزارش‌هایی منتشر شد که طالبان برای ادامه جنگ در پنجشیر از ولایت‌های دیگر نیرو استخدام و بسیج کرده‌اند.



طالبان استخدام در نهادهای دولتی را به داشتن سابقه جنگی مشروط کردند



پیش از این نیز ملا یعقوب، سرپرست وزارت دفاع طالبان، در ماه دلو سال گذشته گفته بود کسانی که عضو گروه طالبان بوده‌اند، بدون اسناد تحصیلی باید در ادارات حکومتی استخدام شوند.

۸ صبح، کابل: طالبان برای استخدام کارمند در ادارات دولتی، داشتن سابقه جنگی را شرط گذاشته‌اند. یک منبع به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که طالبان برای استخدام کارمندان جدید در بستی‌های دولتی، داشتن سابقه جنگی را یکی از عمده‌ترین معیارها در نظر گرفته‌اند.

منبع می‌افزاید: «پس از مراجعه به وزارت دفاع و وزارت کار و امور اجتماعی طالبان، با وجود داشتن اسناد تحصیلی و تجربه کاری، نتوانستم شامل روند استخدام کارمندان این اداره‌ها شوم.»

به گفته وی، طالبان پس از بررسی اسناد، کسانی که سابقه جنگ در بیست سال گذشته را ندارند، از فهرست نامزدان رقابت برای بستی‌های دولتی حذف می‌کنند.

منبع می‌گوید: «طالبان به نامزدان بستی‌ها به‌صراحت ابلاغ می‌کنند کسانی که سابقه جنگ ندارند، نمی‌توانند در ادارات دولتی استخدام شوند.»

اختلافات بین طالبان پای وزیر دفاع این گروه را به بامیان کشاند

۸ صبح، بامیان: هم‌زمان با سفر ملا محمد یعقوب، وزیر دفاع طالبان به بامیان، درگیری مسلحانه میان افراد عبدالله ایوبی، طالب هزاره‌تبار و مدیر شهری اداره استخبارات این گروه با نیروهای قطعه سرخ آن، صورت گرفته است.

منابع محلی به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که طالبان پشتون‌تبار در پی سرکوب طالبان هزاره‌تبار در بامیان هستند.

به گفته منابع، پس از برکناری مولوی مهدی مجاهد از سمت ریاست استخبارات بامیان، حالا طالبان پشتون‌تبار در تلاش برکناری و خلع سلاح برخی از طالبان هزاره‌تبارند.

درگیری میان افراد عبدالله ایوبی با نیروهای قطعه سرخ این گروه، یک کشته و یک زخمی برجا گذاشته است. درگیری با پادرمیانی سران طالبان پایان یافته است.

اما منابع می‌افزایند که طالبان پشتون‌تبار قطعه سرخ این گروه، پدر عبدالله ایوبی، مدیر شهری استخبارات طالبان در بامیان را پس از درگیری با خود برده‌اند.



«اختلافات بی‌پیشینه»: شکاف‌های درونی طالبان آشکارتر می‌شود



در جریان شورش‌هایی که نزدیک به ۲۰ سال طول کشید، طالبان به رغم بحران‌های پشت سر هم، رقابت با شاخه خراسان داعش و جنگ مرگبار علیه نیروهای خارجی و دولت افغانستان...

طالبان ۱۰ خانواده را در خوست بغلان کوچ اجباری دادند

۸ صبح، بغلان: منابع محلی در ولایت بغلان می‌گویند که طالبان در ولسوالی خوست این ولایت ۱۰ خانواده را کوچ اجباری داده‌اند.

منابع روز شنبه، ۱۴ جوزا، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این خانواده‌ها از روستای دره دِه این ولسوالی کوچ داده شده‌اند.

به گفته منابع، طالبان پس از آن که سه نیروی‌شان روز پنجشنبه، ۱۲ جوزا، از سوی نیروهای جبهه مقاومت اسیر شدند، این خانواده‌ها را کوچ اجباری دادند.

طالبان پیش از این نیز نزدیک به ۷۰ خانواده را از ساحات مختلف اندراب بغلان کوچ اجباری دادند.



تناقض در تفکر سیاسی طالبان؛

قریشی نبودن «امیر المومنین»

تفکر سیاسی طالبان همیشه محل پرسش بود و پیوسته گفته می‌شد که این گروه مانیفیست مشخصی برای دولت‌داری ندارد. اخیراً کتابی به زبان عربی از سوی این گروه به نشر رسیده که به دست قاضی القضاة کنونی آن گروه، به نگارش درآمده است. نام این کتاب «الاماره الإسلامية و نظامها» است. این کتاب که گویا مورد تایید «امیر المومنین» این گروه نیز قرار گرفته، نمونه‌ای تمام‌عیار از اندیشه سلفی، یعنی دنباله‌روی چشم و گوش‌بسته از گذشته‌گان است که از میان آرای آنان هر چه را مطابق سلیقه طالبان یافته است، به شیوه‌ای التقاطی برگزیده است، بدون هیچ‌گونه نظر مستقل از خود. وی در این کتاب گاهی به مذهب حنفی، گاهی به آرای اهل حدیث، گاهی به ترمینالوژی تکفیری سیدقطب و مودودی درباره جاهلی خواندن جهان امروز و نظام‌های کنونی دنیا و گاه به عملکرد خلفای اموی و عباسی متوسل می‌شود. این کتاب که از سوی بالاترین مرجع علمی این گروه صادر شده است، سندی معتبر از بند ماندن تفکر آن در پشت گردنه‌های قرون و ناتوانی در عبور به روزگار کنونی است. این کتاب هم سطح علمی پایین رهبران این گروه را به نمایش می‌گذارد و هم جهل تمام‌عیارشان به عصر حاضر و مقتضیات آن را نشان می‌دهد.

برای نشان دادن تناقض‌های موجود در کار این گروه، به ذکر یک نمونه که از شرط‌های اهلیت برای منصب «امیر المومنین» بیان داشته است، بسنده می‌کنیم. قاضی القضاة طالبان با نقل قول از گذشته‌گان و با آوردن سه حدیث از صحیح بخاری، هفتمین شرط را قریشی بودن دانسته است. وی در توضیح حکمت قریشی بودن «امیر المومنین» این نظر شاه‌ولی‌الله دهلوی را نقل می‌کند: «واجب است که خلیفه از کسانی باشد که مردم از اطاعت وی سر نیچینند، به خاطر نسب و حسب پرشکوهش، زیرا کسی که چنان نسبی ندارد مردم خوار و حقیرش می‌شمارند، و واجب است از میان کسانی باشد که به ریاست و بلندی جایگاه‌شان معروف باشند، و قوم او تجربه گردآوردن مردان و راه‌اندازی جنگ‌ها را داشته باشد، و نیز نیرومند باشد تا به حمایت و نصرت وی کمر بسته، و به دفاع از او جان‌های خود را نثار کند... و همه این امور یکجا گرد نیامده است مگر در قریش، به‌ویژه پس از بعثت پیامبر اسلام (ص) که کار قریش با او بلندی گرفت.»

طبق دیدگاه نویسنده این کتاب و ملاهای هم‌فکر او، این احادیث پس از قرآن در بالاترین مرتبه اعتبار قرار دارند. حال این پرسش به میان می‌آید که آیا «امیر المومنین» طالبان قریشی است؟ اگر قریشی نیست، چگونه اهلیت قرار گرفتن در این منصب را پیدا کرده است؟ هنگامی که مردم را به اجرای احادیث ضعیف ملزم و مجبور می‌کنند، چرا خود احادیث متفق‌علیه را نادیده می‌گیرند؟

طبیعی است که از منظر عقلانیت معاصر، تعیین معیارهای لازم برای رهبری جامعه کار قانون و انتخاب کسی به این منصب کار مردم است. هر شهروندی حق ورود به آن را دارد. التفات به ریشه‌های تباری و پیوندهای قبیله‌ای هم در جهان امروز سخیف و نابخردانه به شمار می‌رود. البته در گذشته نیز جریان‌های عقل‌گرا در تاریخ اسلام به قریشی بودن حاکمان باور نداشته‌اند؛ اما سخن بر سر این است که اگر طالبان تا سطح رهبری‌شان از چنگ تناقض‌های خود رهایی نداشته باشند، مردم گرفتار در چنگ آنان، چگونه راهی به رهایی پیدا خواهند یافت؟

طالبان مسافران را در ولایت پنجشیر انگشت‌نگاری می‌کنند



۸ صبح کابل: طالبان در پنجشیر با استفاده از دستگاه بایومتریک، سابقه مسافران را ارزیابی می‌کنند.

یک منبع از ولایت پنجشیر می‌گوید که گروهی از طالبان در منطقه زمان‌کور ولایت پنجشیر با ایجاد ایست بازرسی، مسافران به‌ویژه جوانان را از موتورها پایان کرده و با استفاده از دستگاه بایومتریک، سابقه نظامی و معلومات کاری آن‌ها

را بررسی می‌کنند. منبع می‌افزاید که طالبان به اضافه بررسی با استفاده دستگاه بایومتریک، مسافران را به‌گونه جدی تلاشی بدنی نیز می‌کنند.

پیش از این نیز گزارش‌هایی مبنی بر انگشت‌نگاری مسافران توسط طالبان در پنجشیر از بازداشت و انتقال نظامیان و کارمندان اداره امنیت ملی حکومت پیشین به جایی نامعلوم، نشر شده است.

طالبان در کابل اطلاعات مردم را جمع‌آوری می‌کنند



۸ صبح، کابل: طالبان در کابل با توزیع فورم، مشخصات خانواده‌ها و دانشجویان را جمع‌آوری می‌کنند. مردم بابت جان‌شان نگران هستند. منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح، می‌گویند که با خانه‌پری این فورم، نگران امنیت جان‌شان هستند. طالبان در این فورم خواستار مشخصاتی چون: تعداد اعضای خانواده، نام، شماره تذکره، موقعیت، شغل، شماره تماس و عکس افراد شده‌اند.

منابع می‌افزایند که براساس دستور طالبان، با افرادی که در خانه‌پری فورم تأخیر کنند، «برخورد خشونت‌آمیز» خواهد شد. گروه طالبان در حالی اقدام به جمع‌آوری این اطلاعات می‌کنند که نیروهای این گروه در گذشته از اطلاعات انگشت‌نگاری، بایگانی و استخباراتی حکومت پیشین نیز برای شناسایی و پی‌گرد مخالفان‌شان استفاده کرده‌اند.

کاهش چشم‌گیر صادرات از دهلیزهای هوایی افغانستان



۸ صبح، کابل: مسولان اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری کشور می‌گویند که میزان صادرات افغانستان از طریق دهلیزهای هوایی به‌گونه چشم‌گیری کاهش یافته است. براساس آمار این اتاق، افغانستان پیش از این سالانه تا ۲۵ هزار تن کالاهای بازرگانی‌اش را از این طریق به بیرون صادر می‌کرد، اما اکنون این مقدار به کم‌تر از ۶ هزار تن رسیده است. اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری می‌افزاید که بیش‌ترین صادرات کشور از طریق دهلیز هوایی، به هند انجام می‌شد، اما بیش از هفت ماه می‌شود که این دهلیز بسته شده است. خان‌جان الکوزی، عضو هیات مدیره اتاق تجارت

و سرمایه‌گذاری افغانستان، گفته است: «فعالاً از طریق میدان هوایی انتقال صورت نمی‌گیرد. اگر می‌گیرد، ناچیز است.» به گفته او، در حال حاضر «سب‌سایدی» از بین رفته است و تاجران مجبورند تمام هزینه انتقال را خود پرداخت کنند. در سال‌های گذشته دهلیزهای هوایی مسیری مهم انتقال فرآورده‌های زراعتی و تولیدات داخلی افغانستان به کشورهای منطقه بود. دولت در قسمت فراهم‌سازی تسهیلات به تاجران کمک می‌کرد. این امر سبب شده بود که علاقه‌مندی تاجران در استفاده از این مسیر ترانسپورتی بیش‌تر شود.

میلیون‌ها افغانی به تاسیسات خط آهن خواف - هرات خساره وارد شده است

۸ صبح، کابل: در جریان سقوط حکومت پیشین و پس از آن، تاسیسات خط آهن خواف - هرات، از جمله تجهیزات ایستگاه روزنگ، مورد دستبرد قرار گرفت.

به اساس بررسی‌های هیات تخنیکی اداره خط آهن افغانستان، تنها به ارزش بیش از ۲۰ میلیون افغانی، تجهیزات ایستگاه روزنگ خط آهن خواف - هرات، ناپدید شده است. بخت‌الرحمان شرافت، سرپرست اداره خط آهن طالبان می‌گوید که به اساس برآورد این اداره، به ارزش بیشتر از ۲۰ میلیون افغانی، تجهیزات این ایستگاه خط آهن دزدیده شده است.

منابع از اداره خط آهن به روزنامه هشت‌صبح می‌گویند که تجهیزات ناپدید شده مشمول کامپیوترها، سیستم سیگنالینگ، دستگاه‌های مخابراتی و لوازم دفتری است.

این ایستگاه خط آهن که توسط ایران ساخته و تجهیز شده، قرار بود که چندین ماه قبل مورد استفاده قرار می‌گرفت و فعالیت خط آهن میان دو کشور شروع می‌شد.

اما گفته می‌شود که هنوز مشکلات فراوانی وجود دارد تا این ایستگاه خط آهن دو باره ساخته و روند حمل‌ونقل از طریق خط آهن میان افغانستان و ایران شروع شود.



بالتکلیفی دانش‌آموزان؛

زمان برگزاری کانکور چه وقت است؟



۸ صبح، کابل: شماری از دانش‌آموزان مکاتب در کابل می‌گویند که از بالتکلیفی به تنگ آمده‌اند و باید زمان برگزاری کانکور مشخص شود.

سمیع‌الحق یزدان‌بناه، یکی از دانش‌آموزان در کابل روز شنبه، ۱۴ جوزا، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که در سال روان امتحان کانکور در زمان معمول برگزار نشد و این امر سبب شده تا زمان طولانی و خسته‌کننده‌ای را در انتظار امتحان سپری کنند.

به گفته او، دانش‌آموزان به دلیل معلوم نبودن زمان امتحان کانکور شوق و علاقه‌شان به درس را از دست داده‌اند.

شمار دیگری از دانش‌آموزان نگران فراموشی درس‌های‌شان هستند؛ زیرا به گفته آنان، صنف‌های آماده‌گی‌شان تمام شده و انتظار طولانی ممکن است بر روند آموزشی آنان اثر بد بگذارد.

نصیر، یک تن از دانش‌آموزان که می‌گوید خسته شده است، از کمیته امتحانات وزارت تحصیلات عالی می‌خواهد که زمان برگزاری کانکور را هرچه زودتر مشخص کند.

این در حالی است که وزارت تحصیلات عالی طالبان در مورد زمان دقیق برگزاری کانکور به رسانه‌ها چیزی نگفته است.

گفتنی است که امتحان کانکور پیش از این، همه‌ساله در ماه‌های حوت و حمل برگزار می‌شد.

طالبان در پی جمع آوری عشر تریاک؛

خسربه پاکستان نشین ملا عمر سهمش را گرفت

۸ صبح، کابل

باشندهگان ارزگان از جمع آوری خودسر عشر و زکات در ولایت شان توسط طالبان شکایت دارند. به گفته آنان، طالبان از بیش تر محصولات زراعتی، به ویژه تریاک، حتی با زور عشر می گیرند و در صورت فروش آن، خواستار دریافت زکاتش می شوند. مردم محل می گویند که طالبان پرداخت عشر و زکات محصولات به ملاامان مساجد را منع کرده اند و دست کم شش ملاامان که عشر دریافت کرده بودند را به زندان انداخته اند. این در حالی است که به گفته منابع، مامای ملا یعقوب، وزیر دفاع طالبان، در جریان روزهای گذشته از پاکستان برای دریافت عشر و زکات تریاک، به ارزگان آمده بود. وی در مواردی از هر ۱۰ سیر تریاک، نیم سیر آن را برای خود اختصاص داده است. گفتنی است که براساس گزارش سازمان های بین المللی، مواد مخدر هم چنان منبع درآمد مهم برای طالبان شمرده می شود.

شماری از دهقانان در ارزگان می گویند که طالبان در مرکز و ولسوالی های این ولایت از پول فروش محصولات زراعتی مردم، به ویژه تریاک، زکات می خواهند. آنان در گفت و گو با روزنامه ۸ صبح ادعا دارند که طالبان از آنان بخشی از محصول را تحت نام عشر و زکات می گیرند.

یک باشنده ولسوالی دهرآوود ولایت ارزگان تصریح می کند که با رسیدن فصل تریاک، طالبان از آنان خواستارند که به جای ملاامان، عشر حاصلات یا زکات فروش آن را به اعضای طالبان بدهند. او افزود که اگر فردی به این دستور طالبان عمل نکند و بخشی از پول حاصلاتش را ندهد، از سوی طالبان بازداشت می شود.

به گفته این باشنده دهرآوود، طالبان در بیش تر نقاط این ولسوالی با استفاده از زور زکات پول فروش محصولات، به ویژه تریاک را جمع آوری می کنند. او ادعا می کند که طالبان تا حال ملاامان شش مسجد



را بازداشت و زندانی کرده اند. این باشنده ارزگان تصریح کرد که دلیل این بازداشتها، تأکید ملاامان بر دریافت این پول به عنوان زکات است. او افزود: «طالبان در دهرآوود از مردم با زور زکات را جمع آوری می کنند. به مردم گفتند که دیگر زکاتتان را به ملاها ندهید. شش ملاامان مسجد همین حالا زندانی شده اند. آن ها با همین تصمیم مخالفت داشتند.»

هم چنان مردم در ترینکوت، مرکز ارزگان، نیز تأیید می کنند که طالبان به شمول تریاک، از گندم و سایر محصولات با زور زکات جمع آوری می کنند. یک تن در ارزگان می گوید که طالبان برای تأمین امنیت در ساحه جابه جا شده اند و هرازگاهی از حاصلات تریاک

و سایر محصولات زراعتی زکات و عشر می گیرند. او ادعا می کند که یک مامای ملا یعقوب، وزیر دفاع طالبان، چند وقت پیش برای جمع آوری عشر تریاک و زکات پول فروش آن از پاکستان به ترینکوت و ولسوالی چوره آمده بود. به گفته او، این فرد از مردم زیر نام زکات پول گرفت و هم چنان از هر ۱۰ سیر تریاک، نیم سیر آن را برای خود حساب می کرد.

این باشنده ارزگان تصریح کرد که مامای ملا یعقوب بخش زیادی از تریاک را از ساحه درفشان، واقع در ترینکوت ارزگان، جمع آوری کرده است.

این در حالی است که به گفته یک منبع دیگر در ارزگان، طالبان در مرکز و ولسوالی ها به دهقانان سفارش کرده اند که پس از رسیدن گندم، عشر آن را

باشندهگان ارزگان از جمع آوری خودسر عشر و زکات در ولایت شان توسط طالبان شکایت دارند. به گفته آنان، طالبان از بیش تر محصولات زراعتی، به ویژه تریاک، حتی با زور عشر می گیرند و در صورت فروش آن، خواستار دریافت زکاتش می شوند. مردم محل می گویند که طالبان پرداخت عشر و زکات محصولات به ملاامان مساجد را منع کرده اند و دست کم شش ملاامان که عشر دریافت کرده بودند را به زندان انداخته اند.

به آنان بدهند. براساس ادعای او، در جاهایی که مردم محل حاصلات گندم شان را جمع آوری کرده اما عشر نداده اند، طالبان از آنان با زور عشر گرفته اند.

این باشنده ارزگان افزود که روند جمع آوری خودسر زکات در آن ولایت از سوی طالبان محلی صورت می گیرد و ممکن است افراد بلندرتبه طالبان در مواردی از این اقدام بی خبر باشند. این در حالی است که به گفته وی، برخی از افراد در صورت ندادن عشر و زکات، تحت نام های مختلف بازداشت می شوند.

گفتنی است که براساس معلومات نهادهای بین المللی، طالبان در جریان جنگ با نیروهای امنیتی پیشین و نیروهای بین المللی، همواره به مواد مخدر و قاچاق آن به عنوان منابع مالی نگاه می کردند. براساس آمارها، طالبان سالانه حدود ۵۰۰ میلیون دالر از درک مواد مخدر عاید داشتند. آنان پیش از این، در مناطقی که تریاک کاشت می شد، به رسانه ها اجازه ورود نمی دادند. با این حال، پس از تسلط دوباره طالبان بر کشور، تریاک و کاشت آن در افغانستان به مساله ای عادی بدل شده است و طالبان بارها از جامعه جهانی خواستارند که تنها در صورت به رسمیت شناخته شدن، دریافت کمک ها و مشخص شدن بدیل، حاضر به مبارزه با کاشت تریاک در کشورند.

طالبان در هرات نظامیان پیشین را از خانه های شان کوچ اجباری دادند

۸ صبح، هرات

گروه طالبان در ولایت هرات اقدام به کوچ اجباری نظامیان پیشین از خانه های دولتی در ساحه فرقه (تأسیسات دولتی) کرده اند. شماری از نظامیان پیشین در هرات می گویند که طالبان آن ها را از خانه هایی که چندین سال در آن اقامت داشته اند، کوچ اجباری داده اند. آن ها می گویند طالبان پس از کوچاندن آن ها، نیروهای خود را در این خانه ها جابه جا کرده اند.



نظامیان پیشین از خانه های دولتی در ساحه فرقه (تأسیسات دولتی) کرده اند. شماری از نظامیان پیشین در هرات می گویند که طالبان آن ها را از خانه هایی که چندین سال در آن اقامت داشته اند، کوچ اجباری داده اند.

آن ها می گویند طالبان پس از کوچاندن آن ها، نیروهای خود را در این خانه ها جابه جا کرده اند.

شعیب (نام مستعار) یکی از افسران نظام پیشین است. او می گوید مدتی بیش از ۱۰ سال می شود که در ساحه فرقه هرات (ساحه مشهور به تأسیسات دولتی) در

خانه های دولتی زنده گی می کند و این خانه ها از طرف دولت پیشین به آن ها داده شده بود. این افسر نظامی که در حکومت قبلی ایفای وظیفه می کرد، باشنده اصلی یکی از ولایت های شمال است. او می گوید که با آمدنش به ولایت هرات، مدتی مسافر بوده؛ اما سپس خانواده اش را به این ولایت انتقال داده و در ساحه فرقه مشهور به تأسیسات دولتی از طرف حکومت برایش خانه داده شده است.

او می گوید که این خانه دولتی وقتی به او داده شده بود، شبیه مخروبه بود؛ اما او از معاش خود آن را ساخته است: «در ابتدای آمدنم خانه ای که از طرف دولت برایم در نظر گرفته شده بود، مخروبه ای بیش نبود. به مرور زمان با اخذ معاش توانستم آن را از سرنو بسازم؛ اما با سقوط نظام، امروز طالبان مرا از خانه ای که خودم ساختم، کوچ اجباری داده و نیروهای خود را جابه جا کردند.»

این نظامی پیشین می گوید که حالا جایی برای زنده گی ندارد و حیران مانده است که کجا برود و چه کند. در همین حال یک نظامی دیگر که به تازه گی از همین ساحه توسط طالبان وادار به کوچ اجباری شده است، می گوید که طالبان با تهدید او را از خانه اش بیرون انداخته اند. او می گوید این زمین ها که به تأسیسات دولتی مشهور است، برای نظامیان اختصاص داده شده بود و آن ها از سرمایه خود این خانه ها را ساخته اند؛ طالبان به خانه های آن ها هجوم برده و حتا فرصت

نداده اند که وسایل خانه های خود را انتقال بدهند. این نظامی پیشین می افزاید که طالبان علاوه بر کوچ اجباری، آن ها را به مرگ تهدید نیز کرده اند. او نیز می گوید که پس از کوچاندن شدن توسط طالبان، حالا جایی برای زنده گی ندارد.

این نظامیان در حالی کوچ اجباری داده می شوند که شماری از آن ها از دولت های پیشین در این ساحات زنده گی می کردند که پیشینه آن ها به چهار دهه قبل برمی گردد.

در همین حال برخی از نظامیان پیشین در هرات می گویند که طالبان علاوه بر کوچ اجباری و تهدید به مرگ، اجازه نمی دهند که آن ها در جایی کار کنند. شماری از آن ها می گویند که طالبان در این ولایت به تمام موسسات نیز هشدار داده اند تا از استخدام نظامیان پیشین خودداری کنند.

با این حال ملا یعقوب، سرپرست وزارت دفاع طالبان، در آخرین اظهاراتش گفته است که «افسران سابق ارتش افغانستان که در هند آموزش دیده اند، می توانند به وطن خود بازگردند و مشغول کار شوند.»

کوچ اجباری نظامیان پیشین از سوی طالبان، کاری تازه نیست. در هفته ای که گذشت، طالبان نظامیان پیشین در مزار شریف را نیز از خانه های دولتی مجبور به کوچ اجباری کرده اند.

با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، رهبری این گروه فرمان عفو عمومی صادر کرد که با استناد به آن تمام نظامیان و کارمندان دولت پیشین شامل این عفو می شدند. این فرمان اما به گفته نظامیان پیشین، به دام انداختن آن ها به دست طالبان را آسان ساخت و طالبان توانستند به اهداف شان برسند.

یافته های نهادهای حقوق بشری نشان می دهد که طالبان صدها نظامی پیشین را در طی چند ماه گذشته کشته اند.

پس از قدرت گیری طالبان، زنده گی در زیر سایه این گروه برای مردم دشوار شده است. گروه طالبان در تمام ولایت های افغانستان متهم به نقض حقوق بشری و آزار، شکنجه و کشتار غیرنظامیان و نظامیان پیشین هستند.

القاعده ابرار فشار طالبان بر هند



◆ امین کاوه

عملیات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را طرح‌ریزی و اجرا کرد. اسامه بن لادن، رهبر القاعده و اکثریت فرماندهان و رهبران گروه‌های تروریستی در آن زمان در افغانستان در مصونیت به سر می‌بردند و در میان طالبان صاحب عزت و جایگاه بودند.

سازمان ملل به‌تازگی گزارشی منتشر کرده که نشان می‌دهد ایمن الظواهری، رهبر القاعده، «بیعت» خود را با هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، تجدید و القاعده «روابط نزدیک» خود با طالبان را حفظ کرده است. در این گزارش گفته شده که پس از به قدرت رسیدن دوباره طالبان، «القاعده آزادی عمل بیشتری» در افغانستان به دست آورده و ایمن الظواهری نیز «پیام‌های ضبط شده بیش‌تری منتشر کرده است».

در این گزارش ۲۵ صفحه‌ای سازمان ملل آمده است: «طالبان هم‌چنان به روش‌های گذشته خود عمل می‌کنند، پناهگاه‌های امن برای گروه‌های تروریستی مانند القاعده فراهم کرده‌اند و افراد را از گروه‌شان که در فهرست تحریم‌های سازمان ملل قرار داشتند، به مقام‌های کابینه خود گماشته‌اند.» در این گزارش، سازمان ملل گفته است که طالبان از القاعده جدا نشده‌اند و این گروه از تسلط طالبان برای جذب نیرو و تمویل بودجه استفاده می‌کند.

در گزارشی دیگر که از سوی «تیم تحلیلی حمایت و نظارت بر تحریم‌های سازمان ملل» منتشر شده، آمده است که القاعده بر کشمیر هند تمرکز کرده است. براساس این گزارش، این شاخه از القاعده در هند، تابع هسته مرکزی این گروه در افغانستان است. این

گزارش نشان می‌دهد که شبکه القاعده اخیراً نام مجله خود در شبه‌قاره هند را از «نوی جهاد افغانستان» به «نوی غزوه هند» تغییر داده است. تیم تحلیلی حمایت و نظارت بر تحریم‌های سازمان ملل این کار را نشانه تمرکز مجدد القاعده بر کشمیر خوانده است. پیش از این طالبان در اوایل سال ۲۰۲۲ از ایجاد یک واحد نظامی جدید به نام «واحد عملیاتی پانی‌پت» در ولایت ننگرهار خبر داده بودند. گمان می‌رود که ایجاد این واحد عملیاتی در مرز با پاکستان، نیز بر هراس هند افزوده است و این کشور حس می‌کند ایجاد این واحد نظامی در هم‌دستی با القاعده صورت گرفته است.

طالبان به‌عنوان گروه تحت حمایت پاکستان، همواره از شورش در کشمیر علیه دولت هند حمایت کرده است. با درک این وضعیت، حمایت گروه طالبان از شبکه القاعده در کشمیر، بعید به نظر نمی‌رسد. هر چند در گزارش سازمان ملل توانایی عملیاتی القاعده ضعیف ارزیابی شده، اما گفته شده است که شرایط فعلی افغانستان، به این گروه اجازه می‌دهد تا خود را دوباره سازمان‌دهی کند. در گزارش سازمان ملل آمده است که رابطه بین این گروه و شبکه القاعده هم‌چنان نزدیک است و رهبران اصلی القاعده در حال حاضر در افغانستان و در هند حضور دارند. براساس معلومات این گزارش «هسته مرکزی القاعده به رهبری ایمن الظواهری هنوز در مناطق شرقی افغانستان از ولایت زابل تا کتر و در امتداد مرز با پاکستان حضور دارند».

از اگست ۲۰۲۱ تاکنون، ایمن الظواهری، رهبر شبکه القاعده، دست‌کم هشت پیام ویدیویی منتشر کرده

هند، پس از فروپاشی نظم جمهوری، سفارت و نماینده‌گی‌های دیپلماتیک خود در افغانستان را بست و کارمندان و همکاران محلی خویش را در روند تخلیه از افغانستان بیرون کرد. به رغم گزارش‌ها مبنی بر ارتباط این کشور با گروه طالبان، دهلی نو شرط برقراری روابط خود با طالبان را ایجاد حکومت همه‌شمول و فراگیر در افغانستان اعلام کرد. اما در جریان هفته گذشته، یک هیأت از وزارت خارجه این کشور به کابل آمد و با طالبان در مورد ایجاد روابط و بازگشایی نماینده‌گی سیاسی گفت‌وگو کرد. هند پس از نه ماه از تسلط طالبان، اکنون تمایل دارد که با طالبان رابطه برقرار کند. این گروه نیز اعلام آماده‌گی و همکاری کرده است.

پیش از این هند از طالبان به‌عنوان رژیم تحت حمایت پاکستان هراس داشت. اکنون پرسشی که مطرح می‌شود، این است که چه چیزی به یک‌باره گی یخ هراس هند از طالبان را آب کرده و این قدرت منطقه‌ای را که مخالف گروه طالبان بود، وادار به همکاری و گفت‌وگو با این گروه ساخته است.

طالبان با سایر گروه‌های افراط‌گرا و هراس‌افگنی منطقه‌ای دادوستد دارد، از جمله با القاعده که حتا رابطه خویشاوندی نیز دارد. با فروپاشی نظم جمهوری، گروه‌های تروریستی به شمول القاعده جان گرفتند. القاعده در دور نخست حاکمیت طالبان بازو و هم‌سنگر این گروه بود و با پشتیبانی این گروه،

آتش‌سوزی در نورستان، چرخ‌بال‌ها در پنجشیر؛

مساله طالبان چیست؟

◆ فهیم ستوده

نمی‌آورند. اصلاً یادشان نیست که سری به جنگلات بزنند. مردم اما با دستان خالی، با آتش مبارزه می‌کنند. در ویدیوهای نشر شده از این آتش‌سوزی، دیده می‌شود که تعدادی با دستان خالی‌شان بر شعله‌های خشن و بلند آتش خاک می‌ریزند و چند نفری هم آتش را با چوب می‌زنند. این اقدامات اما در برابر حجمی از آتش که اکنون بسیار چاق شده است، اندک‌ترین تاثیری هم ندارد.

این آتش ویرانگر و جنگل‌خوار را طالبان به جان مردم انداخته‌اند. آن‌ها چنان از دشت و کوه به شهر ریخته و مصروف غارت‌اند که اصلاً فرصتی برای فکر کردن در مورد مساله‌ای مانند آتش‌سوزی در جنگلات دو ولایت کشور را ندارند. تاکنون بارها جنگ‌جویان این گروه در نقاط مختلف کشور برای غارت معادن و دیگر داشته‌های کشور، به رخ هم تفنگ کشیده‌اند. باری در تخار و چندین بار در بدخشان، سمنگان، سرپل و هرات بر سر غارت دارایی‌های کشور و مردم هم‌دیگر را کشته‌اند. پس از این نیز چنین احتمال‌هایی وجود دارد. از سوی دیگر، رسانه‌ها از افزایش قاچاق از افغانستان به پاکستان گزارش می‌دهند. چوب چهارتراش یکی از این اقلام است؛ آن‌چه از جنگلات کشور به‌صورت غیرقانونی قطع و تهیه می‌شود.

سکوت طالبان و می‌مبالانی آن‌ها، این گمانه را تقویت می‌کند که نیروهای این گروه عمداً چنین آتشی را بر خرمن کشور انداخته‌اند. براساس این گمانه، قاچاق چوب و گندم نیز مانند قاچاق تریاک و مواد معدنی کشور به دست فرماندهان طالبان است. از آن‌جایی که مرزها هم توسط این گروه مدیریت و کنترل می‌شود، می‌توان به‌ساده‌گی رابطه بین طالب و قاچاق را دریافت. به همین دلیل، این آتش‌سوزی اکنون فرصتی برای قاچاق بیش‌تر چوب‌های چهارتراش فراهم کرده است. درختانی که کم‌تر سوخته‌اند و آن‌هایی که اصلاً

است. در آخرین ویدیویی که بنیاد رسانه‌ای الصحاب القاعده در پنجم اپریل منتشر کرد، الظواهری «به نافرمانی یک زن مسلمان هندی در مقابل مردان معترض به حجاب» اشاره می‌کند. تحلیل سازمان ملل افزایش سرعت ارتباطات اخیر القاعده را نشان می‌دهد و مشخص است که رهبر شبکه القاعده پس از تسلط طالبان بر افغانستان، برای رهبری و منسجم کردن گروهش فرصت‌های بیش‌تری به دست آورده است.

القاعده پیوند ایدئولوژیک و حتا خویشاوندی با هر دو دسته گروه طالبان دارد. اما از قراین برمی‌آید که نزدیک‌ترین پیوند را با شبکه حقانی دارد و این شبکه تحت حمایت مستقیم پاکستان قرار دارد. سازمان ملل نیز تأیید می‌کند که طالبان برای تسهیل محل پناهگاه‌های امن و پشتیبانی از هسته القاعده در افغانستان هم‌چنان شریک قابل اعتماد این گروه هستند. برمبنای گزارش سازمان ملل «شبکه القاعده بیش‌تر با جلال‌الدین حقانی، رهبر پیشین شبکه حقانی، در ارتباط بود و حقانی‌ها و طالبان به دلیل حمایت شبکه القاعده در سال‌های پیش از ۲۰۰۱، مدیون شبکه تروریستی القاعده هستند».

گمان می‌رود هند به رغم آگاهی از پیش‌بینی تحولات جدید منطقه‌ای، از هم‌پیمانی طالبان با القاعده هراس دارد و فکر می‌کند با نزدیک شدن به این گروه و همکاری با آنان، می‌تواند مانع تداوم و حیات فعالیت‌های القاعده در کشمیر شود یا حداقل تحرکات القاعده را در خاک افغانستان نظارت کند و این کشور برایش به سیاه‌چال اطلاعاتی تبدیل نشود. اما طالبان با قیمت روابط با هند، هرگز پاکستان و القاعده را عوض نخواهند کرد. هم‌چنان متحد استراتژیک پاکستان و القاعده باقی خواهند ماند، مگر این‌که تحولات منطقه‌ای که آستان تحولات جدید است، چیزی دیگر فراتر از انتظار هند برآید؛ زیرا در حال حاضر مهم‌ترین چالش «تغییر و تحول» است که شرایط را نامشخص و پیش‌بینی را دشوار ساخته است.

از سوی دیگر در روابط بین‌الملل شاید هیچ دوره‌ای به شدت و کثرت تحولات و پربسامدی تغییر و نیز با این میزان آشوب و مخاطره و فراز و نشیب سراغ نداشته باشد.

برای مردم افغانستان دارد و عدم تمرکزشان به فجاعی از قبیل فقر و آتش‌سوزی و خشک‌سالی آن‌ها نیز تاوان‌های سنگینی را بر مردم تحمیل می‌کند. برای این، باید آن‌ها روش‌شان را تغییر دهند. محراق‌های توجه جدیدی برگزینند تا آسیب‌های حضور خود در قدرت را کم‌تر سازند.

برای پیش‌گیری از اتفاقات ویرانگر بعدی، افغانستان نیاز به یک دولت مشروع دارد. این دولت مشروع زمانی ایجاد می‌شود که طالبان دو پای‌شان را از یک موزه بکشند و با مردم افغانستان صلح کنند. آن‌ها تاکنون با ارزش‌ها، فرهنگ‌ها، رفاه، تنوع و هرچه مردم دارند، دشمن‌اند. آن‌ها حتا با جان مردم دشمن‌اند. حالا که دو شرط مهم مشروعیت بین‌المللی، عدم دخالت در مسایل شخصی و رعایت حقوق بشر از یک سو و تشکیل حکومت همه‌شمول از سوی دیگر است، طالبان نه‌تنها در راستای برآورده کردن این دو خواست بین‌المللی گامی برنداشته‌اند، بلکه عقب‌تر رفته‌اند. آن‌ها خلاف انتظار حتا کشورهای حامی‌شان، دخالت در زنده‌گی شخصی و نقض حقوق بشری افراد را افزایش داده‌اند. از سوی دیگر، حتا صفوف خود را از نیروهای غیرپشتون، تصفیه می‌کنند.

این‌ها همه وارونه‌گی رفتار طالبان و ناآشنایی آن‌ها با جهان را نشان می‌دهد. جهان اکنون به یک شبکه بدل شده است. تارهای این شبکه، با هم‌دیگر در ارتباط نزدیک است. طالبان اما خلاف صحبت‌های‌شان در مورد مشروعیت، عمل می‌کنند. در عمل، هر روز بیش‌تر با استندردهای جهانی فاصله می‌گیرند. در داخل هم آن‌جایی که باید تمرکز کند، نمی‌کند. از جایی که باید برحذر باشند، دل نمی‌کنند. اگر دولتی مشروع می‌داشتیم، آتش جنگلات در همان نورستان خاموش می‌شد و به کتر نمی‌رسید. در هر مصیبت دیگری هم می‌شد از همسایه‌ها همکاری خواست. حالا که هیچ نشانی از انعطاف طالبان در برابر خواست‌های ملی و بین‌المللی دیده نمی‌شود، آینده جامعه سیاه‌تر و تاریک‌تر است. در وضعیت کنونی، درگیری‌های خودی و غیرخودی طالبان ادامه خواهد یافت و مردم همه‌روزه تاوان این درگیری‌ها را خواهند پرداخت. عدم ارتباط با جهان، فقر را گسترده‌تر خواهد ساخت.

نسوخته‌اند، ممکن توسط اره طالبان و دیگر قاچاق‌چیان قطع و سپس به پاکستان قاچاق شود. این مساله، گمانه عمدی بودن آتش‌سوزی را قوی‌تر می‌سازد. بنابراین؛ طالبان این آتش‌سوزی را راه انداخته‌اند و حالا هم عمداً برای خاموش کردن آن کاری نمی‌کنند.

اگر این آتش‌سوزی عمدی هم نبوده باشد، بازهم چیزی تغییر نمی‌کند. طالبان که حکومت پیشین را سقوط داده و رژیم نامشروع خود را بنا کرده‌اند، حالا اگر بخواهند آتش را خاموش کنند، هم کار چندان از دست‌شان برنمی‌آید. آن زمانی که آتش کوچک بود و جغرافیای خاکستر کم‌پهنا، اقدام نکردند. حتا یک سطل آب هم بر این آتش نریختند، در حالی که تمامی امکانات دولت را در اختیار دارند، از جمله هلیکوپترها را. طالبان تنها می‌توانند هلیکوپترها را به رخ مردم پنجشیر بکشند و چکر ببرند، در حالی که هلیکوپترها وسیله خوبی برای مهار آتش‌سوزی است. حالا به دلیل این‌که از سوی جامعه جهانی و حتا کشورهای همسایه مشروعیت بین‌المللی نگرفته است، حتا از کشورهای همسایه - جز چین - برای مهار این آتش‌سوزی کمک نخواسته‌اند. این وضعیت، بلایی است که نظم نامشروع بر مردم کشور آورده است.

این آتش‌سوزی تنها جنگل کشور را نابود نمی‌کند. این آتش، طبیعت کشور را نابود و اقتصاد آن را تضعیف نیز می‌کند. این آتش، جنگلات جلغوزه کشور را نابود می‌کند که محصولات آن یکی از اقلام عمده صادراتی کشور را تشکیل می‌دهد. در نهایت، این آتش نان خانواده‌های بسیاری را در کوتاه‌مدت می‌گیرد. در درآمدت هم دست‌رخوان خالی کل کشور را خالی‌تر می‌سازد.

در چنین وضعیتی، طالبان درگیر یک آتش دیگرند. آن‌ها تمام تمرکزشان روی دو چیز است؛ جنگ و تاراج. تمرکز طالبان بر این دو گزینه هم تاوان سنگینی

محدودیت‌های طالبان کار آرایشگاه‌های جوزجان را کساد کرده است

مشتريان آرایشگاه‌های زنانه و مردانه در ولایت جوزجان بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است. جوانان در شهر شبرغان، از مداخله طالبان در کارهای شخصی‌شان شاکي‌اند.

در بخشی از شهر شبرغان، مرکز ولایت جوزجان، آرایشگاه‌ها همه در رقابت باهم برای زیبایی زنان و مردان عمدتاً جوان کار می‌کردند. آرایشگران از این طریق هزینه زنده‌گی خود و کارمندان‌شان را تأمین می‌کردند. پس از تسلط طالبان، صفحه دیگری گشوده شده و اکنون کاروبار آرایشگاه‌های زنانه و مردانه کم‌رنگ شده است و مشتری‌های کم‌تری دارند.

حمیرا، یک دخترخانم جوان اهل شبرغان، پنج سال پیش در ناحیه دوم این شهر، با شور و شوق دکان آرایشگری باز کرد. در این مدت، چندین آرایشگر زن زیر مدیریت وی در این دکان کار می‌کردند. حمیرا در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که قبلاً مشتریان زیادی داشت و زنان با شوق به زیبایی، به آرایشگاه‌ها مراجعه می‌کردند؛ اما پس از تسلط طالبان، دکان آرایشگری‌اش چندین بار از سوی نیروهای این گروه به دلایل یا بهانه‌های مختلف بسته شده است.

این آرایشگر زنانه، به روزنامه ۸ صبح گفت که وضع محدودیت بر زنان و بیکار شدن نیم اعضای جامعه، سبب کاهش مشتریان آرایشگاه او شده است.

در همین حال سمیه که بیش از ۱۲ سال یک آرایشگاه زنانه را در شهر شبرغان مدیریت کرده است، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که با تسلط طالبان بر کشور، او دکان آرایشگری‌اش را برای دو ماه بست؛ اما به دلیل مشکلات اقتصادی، ترسش را کنار گذاشت و کارش را در محلی دیگر و کوچک‌تر از گذشته از سر گرفت. به باور سمیه، کار در آرایشگاه تنها راهی است که می‌تواند امور مالی زنده‌گی‌اش را مدیریت کند و مشکلاتش را رفع سازد.

این بانوی آرایشگر می‌افزاید که درآمد روزانه او ۴۰۰ تا ۶۰۰ افغانی کاهش یافته است، به همین دلیل با چالش‌های اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند. وی از طالبان می‌خواهد که در همه بخش‌ها به زنان اجازه کار دهند و قبل از وضع محدودیت بالای فعالیت‌های زنان، به مشکلات آن‌ها توجه کنند.

از سوی دیگر شبنم که از چهار سال بدین سو در یک موسسه در شهر شبرغان کار می‌کند، می‌گوید که در گذشته حداقل ماهی یک بار به آرایشگاه می‌رفته تا به سروصورت خود رسیده‌گی کند، اما در نه ماه گذشته که طالبان بر کشور تسلط دارند، فقط دو بار به آرایشگاه رفته است. این بانوی جوزجانی، طالبان را دلیل مرگ شور و شوق او و سایر زنان می‌داند و می‌گوید که زنان افغانستان آسیب‌پذیرترین قشر کشور به شمار می‌روند.



یکی از آرایشگران مردانه می‌گوید که درآمد روزانه او از ۵۰۰ تا ۷۰۰ افغانی کاهش یافته است و او نمی‌داند کرایه دکان و مخارج خانواده یازده‌نفری‌اش را چگونه تأمین کند.

مردان جوان در اصلاح موی سر و ریش خود حق انتخاب داشتند. اکنون که محدودیت‌ها دوباره وضع شده، جوانان در شهر شبرغان این کار را خیلی ناپسند می‌دانند؛ چون به باور آنان طالبان نباید به کارهای شخصی مردم دخالت داشته باشند. به باور این جوانان، یک شخص خودش اختیار دارد که انتخاب کند چگونه موی سر خود را اصلاح کند و چگونه زنده‌گی‌اش را بچرخاند.

در سال‌های اخیر در جوزجان برخی از جوانان موی سر خود را به سبک ستاره‌های ورزش اصلاح می‌کردند. جاوید، باشنده شبرغان که هوادار یکی از تیم‌های فوتبال است، می‌گوید که بسیار علاقه داشت موهایش را شبیه یک ستاره فوتبال اصلاح کند، اما دستور طالبان این آرزوی کوچک او را هم نابود کرده است: «قبلاً هر قسم که دلم می‌خواست، موهای سرم را اصلاح می‌کردم؛ اما حالا که امر به معروف آمده، موی سرم را ساده اصلاح می‌کنم.»

طالبان پس از تسلط بر کشور، محدودیت‌های بسیار گسترده‌ای را بر شهروندان کشور وضع کرده‌اند. در این میان، بیش‌ترین محدودیت‌ها علیه زنان وضع و تحمیل شده است، از ممانعت آموزش تا انتخاب رنگ لباس و پوشاندن صورت و ممانعت از کار در بیرون از خانه.

یکی از آرایشگران مردانه دیگر می‌گوید که درآمد روزانه او از ۵۰۰ تا ۷۰۰ افغانی کاهش یافته است و او نمی‌داند کرایه دکان و مخارج خانواده یازده‌نفری‌اش را چگونه تأمین کند.

شکرالله، مالک یک سلمانی، می‌گوید: «سلمانی دارم. بالای ما زیاد فشار آمده. کارها پایین آمده، کرایه هم زیاد است. ما نمی‌توانیم از امر به معروف سرپیچی کنیم.» وی اظهار داشت که وضعیت کاری آن‌ها رو به بدتر شدن می‌رود.

وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان به سلمانی‌های مردانه هشدار داده است که اجازه تراشیدن ریش و اصلاح موی سر جوانان به‌شکل غربی را ندارند. از سوی دیگر، وضع محدودیت توسط این گروه بر زنان، واکنش‌های شهروندان کشور و جهانیان را به همراه داشته است. مسوولان وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان، وضع محدودیت بالای زنان و جوانان را به شریعت و فرهنگ افغانی ربط می‌دهند؛ امری که از سوی دین‌پژوهان و اسلام‌شناسان نادرست خوانده می‌شود.

طالبان در دوره اول تسلطشان بر کشور، هم تراشیدن و کوتاه کردن ریش را ممنوع کرده بودند. پس از سرنگونی رژیم اول طالبان در سال ۲۰۰۱، میلیون‌ها نفر از جمله

در همین حال برخی از مسوولان سلمانی‌ها و آرایشگاه‌های مردانه در جوزجان نیز می‌گویند که کسب‌وکارشان به دلیل وضع محدودیت از سوی اداره امر به معروف و نهی از منکر طالبان، کم‌رنگ شده است. آن‌ها به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که کارمندان اداره امر به معروف و نهی از منکر طالبان به تمامی سلمانی‌های شهر شبرغان هشدار داده‌اند که موی و ریش جوانان را مانند مردم کشورهای غربی اصلاح نکنند.

حبیب که بیش از ۱۰ سال می‌شود در شهر شبرغان مشغول آرایشگری است، در صحبت با روزنامه ۸ صبح ضمن تأیید کاهش چشم‌گیر مشتریان آرایشگاه‌ها و سلمانی‌ها، می‌گوید که از هفت ماه بدین سو مشتریان او موی و ریش خود را مانند گذشته اصلاح نمی‌کنند. وی می‌افزاید که قبل از تسلط طالبان، جوانان و نوجوانان به اصلاح موی و ریش‌شان علاقه بیش‌تر داشتند، اما با آمدن طالبان، این شوق و علاقه همانند موسیقی از جامعه گم شده است. این آرایشگر مردانه می‌افزاید که قبلاً در دکانش با استفاده از بلندگو موسیقی پخش می‌کرد، اما حالا جای آن را ترانه‌های طالبانی گرفته است. از نظر او، این مساله نیز از دلایل کاهش مشتریان آرایشگاه او است.

بخت سیاه و همت بالای نسرين؛

جنگ جان شوهر و پسر جوانش را گرفت

می‌خرد تا از آن طریق برای خانواده به گفته نسرين یک لقمه نان حلال به دست بیاورد. به گفته خانم نسرين، مدتی بعد یکی از روزها که پسرش حوالی عصر با چند تن از دوستانش در مقابل درب منزل نشسته بوده‌اند، تفنگ‌داران ناشناس موتورسیکلسوار سر می‌رسند و او را پیش خود می‌خوانند. پس از لحظه‌ای بازجویی، پسرش جوان نسرين را تیرباران می‌کنند. این‌گونه نسرين دومین تکیه‌گاهش را از دست می‌دهد و عرووش در آوان جوانی بیوه می‌شود. دو فرزند او نیز یتیم می‌شوند.

یاد کشته شدن شوهر و پسر بر نسرين سنگینی می‌کند. این بار را تحمل نمی‌تواند. بغض می‌شکند و شروع به گریه می‌کند. پیوسته «توبه» می‌گوید و از خداوند «صبر» می‌خواهد. او دیگر چاره‌ای جز صبر کردن ندارد. از این‌که نمی‌تواند این قسمت را درست اظهار کند، می‌گوید خود صدای شلیک گلوله‌هایی که بر بدن فرزندش اصابت می‌کرده را می‌شنیده و در این زمان یک احساس عجیب برایش رخ داده بوده است. می‌گوید: «با خود می‌گفتم نشود با این صدای شلیک ظالمان فرزندم را شهید کرده باشند. در هر تیراندازی و صدای بد تفنگ که به گوشم می‌رسید، صدای قلبم بیش‌تر می‌شد. ناگهان صدا زده شد که فلانی را کشتند. دیگر نفهمیدم چه شد.»

به تکرار می‌گوید چاره‌ای جز صبر ندارد: «ولی جز صبر، چاره‌ای نیست. الله مهربان است، شوهرم و پسر هر دو نسبت مشکلات اقتصادی که نه کاری بود و نه کدام درامدی، از مجبوریت عضو نیروهای پولیس شدند.»

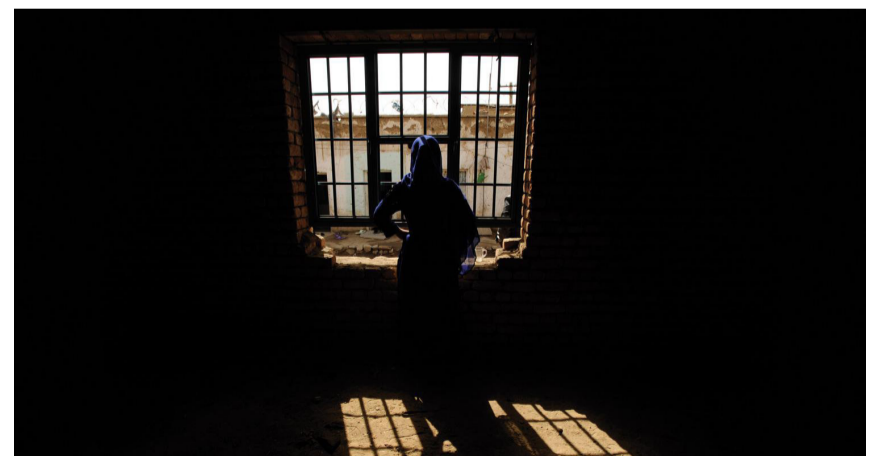
نسرين هنوز به سختی‌های روزگار تسلیم نشده است. سخت مبارزه می‌کند. حالا او مسوولیت تأمین نان خانواده نه‌نفری‌اش را دارد.

تمام می‌شود.

او روایت تلخی از سال‌هایی دارد که مردان خانواده‌اش را از دست داده است. با گلولی پر از بغض و چشمان پراشک به نواسه‌هایش اشاره می‌کند که دیگر پدر ندارند و در آغاز زنده‌گی یتیم شده‌اند. داغ از دادن تنها پسر نسرين، او را هنوز رها نکرده است؛ به گفته خودش هیچ وقت رهایش نمی‌کند. نواسه‌های چهار و شش‌ساله‌اش را تنگ در آغوش می‌گیرد و می‌گوید: «تنها دو یتیم به این سن‌وسال همراه با بیوه زن جوان و دیگر اعضای خانواده به جا مانده که حالا مسوولیت سرپرستی را خودم دارم.»

در نخستین سخن‌ها، درد یک مادر غم‌دیده آشکار بود. با دستان لرزان که قصه برایش دشوار شده بود، صحبت را از وضعیت ناگوار اقتصادی و ناتوانی این‌گونه ادامه می‌دهد: «کار و زنده‌گی بالای مردم تنگ شده. وضع اقتصادی خوبی ندارند. هیچ دروازه موسسه را نبوده که زنده‌ام. تاهنوز حتا یک بشکه روغن یک‌لیتره هم کسی نداده است.»

قصه زنده‌گی این خانم، پایان ندارد. نسرين می‌گوید زمانی که شوهرش کشته شد، او و دیگر اعضای خانواده به این نتیجه می‌رسند که پسرش باید ترک وظیفه کند و از طریق شغل آزاد مایحتاج را فراهم آورد. او که به دلیل حساس بودن وضعیت از بردن اسم شوهر و فرزندش خودداری می‌کند، می‌گوید که پس از کشته شدن شوهرش، پسرش کار در صفوف پولیس ملی را ترک می‌گوید و یک سه‌چرخه زرنج



مردان خانواده را از دست داده است، با همت بالا در تلاش به دست آوردن یک لقمه نان برای نه عضو خانواده‌اش است. او خود آستین بر زده و کمر همتش را محکم بسته است.

بانو نسرين در سال‌های قبل آرزوهای بلند و امیدهای زیادی برای خود و فرزندانش داشته، بی‌خبر از این‌که چرخ زنده‌گی ناگهان تغییر جهت می‌دهد و مسیر عوض می‌کند. وقتی زنده‌گی روی سیاهش را نشان می‌دهد، شوهرش را در جنگ از او می‌گیرد. هنوز عزادار شوهر است که پسر جوانش را نیز جنگ از او می‌گیرد. مرگ پسر اما سنگین‌تر از مرگ شوهر برایش

زنی که شوهر و پسر جوانش را از دست داده است، اکنون بار سنگین مسوولیت خانواده و غم سنگین‌تر از دست دادن عزیزانش را یک‌جا بر دوش دارد.

نسرين (نام مستعار) باشنده ولایت لوگر، شوهر و یک پسر جوانش را که عضو نیروهای پولیس ملی نظام قبلی افغانستان بوده‌اند، یک سال در میان از دست داده است. آن‌ها از سوی طالبان کشته شده‌اند.

نسرين که اکنون به میان‌سالی رسیده است، از جنگ ۲۰ سال گذشته خاطرات تلخی دارد. حالا که دیگر

سفر به سرزمین تریاک



◆ ولید الطاف کوهستانی

افغانستان کشوری است که نامش با کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر گره خورده است. تجربه‌ام از سفر به کشورهای همسایه و کشورهای منطقه، این است که متأسفانه مردم این کشورها افغانستان را به نام «کشور تریاک» می‌شناسند و تصور می‌کنند بیش‌تر ساکنان کشور سرگرم تولید و قاچاق تریاک هستند. برای بازدید از کشت، تولید و قاچاق تریاک، به قطب تولید تریاک افغانستان یعنی ولایت جنوبی هلمند راهی شدم؛ جایی که تا پیش از سقوط حکومت پیشین، به دلیل حضور گسترده قاچاق‌چیان مواد مخدر و درگیری مسلحانه آن‌ها با دولت وقت و از سوی دیگر جنگ بین طالبان و ارتش کشور، قدم گذاشتن به محدوده آن بسیار خطرناک و شاید ناممکن بود. حالا با حضور دوباره طالبان، هلمند ناامن و درگیر جنگ، به یکی از امن‌ترین ولایت‌های افغانستان بدل شده است. با ملا جانان در منطقه «گرمه» ولسوالی نوزاد هلمند، زمانی آشنا شدم که تأیر موثرمان پنجر شد و در

جست‌وجوی «پنجرمن» بودیم. در امتداد یکی از خیابان‌های مسیر ولسوالی‌های گرشک - نوزاد، چند دکان کوچک و رنگ‌ورو رفته جای خوش کرده بود که یکی از آن‌ها پنچری‌گیری ملا جانان بود. وقتی به دکان پنچری‌گیر نزدیک شدم، دروازه‌اش با یک قفل قدیمی و کهنه بسته شده بود. منتظر ماندم و بعد از چند ساعت سروکله پیرمردی با بدنی نحیف و ضعیف پیدا شد. از دستان آغشته به شیرهای که هنوز بوی تریاک از آن به مشام می‌رسید و لکه‌های روی لباسش مشخص بود، سرگرم «تیش زدن» تریاک بوده است.

بیش‌تر مردم هلمند طی سال‌های اخیر هم‌زمان دو شغل دارند؛ یکی کسب‌وکار عادی که از طریق آن لقمه نانی بخورونمیر پیدا می‌کنند و دیگری کاشت و «تیش زدن» تریاک. افراد سرمایه‌دار خودشان زمین‌هایشان را تریاک می‌کارند و افراد فقیر را برای کار در مزارع تریاک برای «تیش زدن» اجیر می‌کنند.

ملا جانان هم مانند سایر ساکنان ولسوالی نوزاد هلمند، دو پیشه داشت؛ پنچری‌گیری تایرهای موتر در کنار

خیابان و کار در مزرعه تریاک. او از صبح تا حدود ساعت ۱۰:۰۰ چاشت در دکانش سرگرم کار است و پس از خوردن غذا و خواندن نماز، به مزرعه تریاک می‌رود. من و سایر افرادی که همراهم بودند، برای عکاسی و تصویربرداری، با خود چند دوربین عکاسی و فلم‌برداری داشتیم. یکی از دوربین‌ها، بر شانه من بود. وقتی ملاجانان رسید، نزدیک دکانش زیر یک سایه‌بان نشستیم تا اندکی خسته‌گی راه را از تنم رفع کنیم.

هم‌زمان که ملا جانان سرگرم کار شد، سر صحبت را او باز کردم. نه من به زبان پشتو مسلط بودم و نه ملا جانان به زبان فارسی تسلط داشت؛ اما به هر ترتیبی بود با پشتو و لهجه شیرین قندهاری و برخی لغات فارسی که با آن یک‌جا می‌کرد، در مورد سرگذشت و زنده‌گی‌اش برایم قصه کرد.

این پیرمرد با دوربین میانه خوبی نداشت. احساس کردم با وجود دوربین، احساس راحتی ندارد. برایش اطمینان دادم که دوربین خاموش است و صدایش را ضبط نمی‌کند. بعد از آن حرف‌هایش را راحت‌تر به زبان آورد و از گذشته‌اش با جزئیات بیش‌تر و دقیق‌تر روایت کرد.

او روزگاری یکی از افراد نزدیک به ملا اخترمحمد منصور، رهبر پیشین طالبان بود. در زمانی که ملا اخترمحمد منصور بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ خورشیدی وزیر هوانوردی افغانستان بود، ملا جانان در چندین پست مهم و کلیدی در این وزارت کار کرده است.

ملا جانان افزون بر وزارت هوانوردی، در میدان‌های هوایی بگرام پروان، خواجه‌رواش کابل، میدان هوایی نظامی ولسوالی شیندند و میدان هوایی هرات در بخش‌های گوناگون اداری و مدیریتی کار کرده است و خاطرات زیادی از زمان کار رسمی در دوره اول حاکمیت طالبان دارد.

به ملا جانان گفتم که من هم چند سالی سابقه کار در میدان هوایی را دارم. با شنیدن این حرف، هم تعجب کرد و هم خوشحال شد. باهم از خاطرات هوانوردی افغانستان گفتیم. او از جوانی‌هایش برایم قصه کرد؛ از دورانی که لباس‌های شیک و لنگی‌های «اسپیشل» به تن و سر می‌کرد.

پرسیدم: «چرا با روی کار آمدن دوباره طالبان، نزد آن‌ها بازنگشته تا در یکی از اداره‌های دولتی مشغول

کار شود؟» گفت حالا پیر شده و دیگر علاقه‌ای به کار دولتی ندارد. می‌خواهد روزگار پیری را در زادگاهش ولسوالی نوزاد هلمند و کار در مزرعه تریاک سپری کند. ملا جانان برایم توضیح داد که از کار در نهادهای دولتی و نشستن پشت میز اداری، همین کار ساده پنچری‌گیری در کنار خیابان و کشاورزی در مزرعه تریاک را ترجیح می‌دهد. از همه مهم‌تر دیگر دل و دماغ رفتن به کابل را ندارد و نمی‌خواهد زادگاهش را ترک کند.

دلیل ماندن ملا جانان و کار کردن در مزرعه تریاک، درآمد بالای کاشت و برداشت این گیاه نبود. کارگران مزرعه‌ها و مزرعه‌داران تریاک در جریان بازه زمانی کاشت و نیش زدن آن، درآمد اندکی کسب می‌کنند؛ چیزی حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار افغانی در سال که مصارف چند ماه زنده‌گی‌شان را تأمین می‌کند.

درآمد اصلی تریاک به جیب مافیا و قاچاق‌بران بزرگ در کشورهای مسیر انتقال محموله‌های مواد مخدر می‌رود و سهم کشاورزان، کارگران و مزرعه‌داران در این چرخه بزرگ اقتصادی چیزی در حد «صفر» است. پول اصلی را باندهای مافیایی در ایران، ترکیه و کشورهای اروپایی به جیب می‌زنند.

با وجود فرمان رهبر طالبان برای ممنوعیت کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر، کسب‌وکار خریدوفروش تریاک در ولایت هلمند هنوز رونق دارد و روزهای گرم بهاری، گرمای بازار معامله‌گران تریاک هنوز سرد نشده است. هرچند فرمان ممنوعیت تریاک بهای مواد مخدر را در کشورهای همسایه افزایش داده است.

ملا جانان روایت‌ها و قصه‌های ناگفته زیادی در دل داشت، اما زمان برای شنیدن حرف‌هایش محدود بود. وقتی کار پنچری‌گیری تأیر موتر به پایان رسید، در حالی که نور طلایی خورشید در آن سوی جاده در حال کم‌رنگ شدن بود، از او خداحافظی کردم تا سفرم به ولایت هلمند را ادامه دهم.

سفری کوتاه که در جریان آن با عجایب و شگفتی‌های زیادی روبه‌رو شدم و به خاطره‌های فراموش نشدنی برایم بدل شد. در مسیر بازگشت از هلمند، به این فکر می‌کردم آیا روزی فرا خواهد رسید که افغانستان به نام «کشور تریاک» شهره نیابد؟ مسأله‌ای که در اوضاع کنونی افغانستان، دست یافتن به آن دشوار به نظر می‌رسد.

«اختلافات بی‌پیشینه»:

شکاف‌های درونی طالبان آشکارتر می‌شود

◆ نویسنده: ابوبکر صدیق

◆ منبع: کندھارا

◆ ترجمه: ۸ صبح

در جریان شورش‌هایی که نزدیک به ۲۰ سال طول کشید، طالبان به رغم بحران‌های پشت سر هم، رقابت با شاخه خراسان داعش و جنگ مرگبار علیه نیروهای خارجی و دولت افغانستان، یک نیروی جنگی عمدتاً منسجم باقی ماندند.

اما از آن جایی که طالبان پس از به دست گرفتن قدرت در ماه اگست [سال گذشته]، تلاش کرده است از یک نیروی چریکی به یک دولت کارآمد تبدیل شود، گزارش‌های فزاینده‌ای از درگیری‌های داخلی این گروه شبه‌نظامی منتشر شده است.

یک مقام ارشد طالبان هفته گذشته اولین کسی بود که آشکارا از رهبری طالبان به دلیل سیاست‌های سرکوب‌گرانه آن در افغانستان انتقاد کرد. کارشناسان می‌گویند که نكوهش عمومی نادر، سرپوش را از روی شکاف‌های گسترده در گروه اسلام‌گرای تندرو برداشته است.

مایکل سمپل، مشاور سابق اتحادیه اروپا و سازمان ملل در افغانستان، می‌گوید: «اختلافات بی‌سابقه‌ای در میان اعضای رهبری طالبان وجود دارد.»

کارشناسان می‌گویند که طالبان که عمدتاً از پشتون‌ها تشکیل شده‌اند، براساس جناح‌های قومی، منطقه‌ای و قبیله‌ای تقسیم شده‌اند. آن‌ها می‌گویند که بین ستیزه‌جویان بر سر سیاست‌های این گروه نیز اختلافاتی وجود دارد.

اعتقاد بر این است که رقابت فزاینده‌ای بین شبکه حقانی (جناحی از طالبان که در شرق کشور مستقر است) و یک گروه از بنیان‌گذاران طالبان در جنوب کشور وجود دارد. هم‌چنین یک جناح کوچک‌تر و

ضعیف‌تر از فرماندهان طالبان وجود دارد که از گروه‌های قومی تاجیک و اوزبیک مستقر در شمال افغانستان تشکیل شده است.

علاوه بر آن، بین شخصیت‌های سیاسی نسبتاً عملگرای طالبان، فرماندهان میدانی تندرو و روحانیون تندرو که به دنبال اجرای تفسیر بنیادگرایانه‌شان از نصوص اسلامی هستند، شکاف‌هایی وجود داشته است. سمپل، استاد دانشگاه کویبن بلفاست، می‌گوید: «تفاوت‌ها در زمینه سیاست و اعتدال واقعاً ثانویه است. اختلافات جدی‌تر، نزاع بر سر تقسیم قدرت و امتیاز است. این‌ها از موارد واقعی است که طالبان نگران آن هستند.»

اما سمیع یوسف‌زی، روزنامه‌نگار و مفسر کهنه‌کار اهل افغانستان که طالبان را از زمان ظهور آن در دهه ۱۹۹۰ دنبال کرده است، می‌گوید که بیش‌تر شکاف‌ها در درون طالبان صرفاً اختلاف نظر است و به درگیری‌های درونی جناحی تبدیل نمی‌شود. او می‌گوید: «طالبان در ارتباط به حفظ وحدت و انسجام‌شان بسیار جدی هستند. اگر کسی علیه سیاست‌های طالبان عمل کند یا صحبت کند، منزوی، بیرون رانده شده و حتا کشته می‌شود.» یوسف‌زی به نمونه‌هایی از قبیل عبدالسلام ضعیف، سفیر سابق طالبان، عبدالوکیل متوکل، وزیر امور خارجه پیشین و آغاچان معصم، رهبر میانه‌رو طالبان، اشاره می‌کند که همه به دلیل ابراز مخالفت تنزل رتبه داده شدند. در همین حال، ملا عبدالمنان نیازی که در سال ۲۰۱۵ یک گروه انشعایی را تشکیل داد، سال گذشته در یک بمب‌گذاری انتحاری کشته شد. یوسف‌زی می‌گوید: «طالبان یک سازمان کاملاً دیکتاتوری است و همه در صفوف آن باید این واقعیت را بپذیرند.»

◆ حکمرانی با «شلاق»

هفته گذشته شیرمحمد عباس استانکزی، معاون وزیر امور خارجه طالبان، علناً از رهبری طالبان به خاطر



اعضای رهبری طالبان پس از این‌که شبه‌نظامیان کنترل پایتخت را به دست گرفتند، در کابل قدم می‌زنند.

راضی نگهدارد.

◆ جنگ «طالب علیه طالب»

ابراهیم بهیسی، کارشناس مسایل افغانستان، می‌گوید که مخالفت علنی مقام‌های طالبان با سیاست‌های رهبر این گروه، غیرعادی است.

او به این باور است که «مخالفت عمومی [مقام‌های طالبان] با تصمیم‌های اخیر رهبر طالبان، می‌تواند تا حدی راهی برای کشف چگونگی حل اختلافات درونی و تأثیرگذاری بر سیاست‌ها باشد.»

بهیسی می‌گوید که طالبان به دو اردوگاه تقسیم شده‌اند. او می‌گوید که یکی از جناح‌های به این باور است که دستورات محدودکننده مسأله به رسمیت شناختن بین‌المللی و رفع تحریم‌ها را دشوارتر می‌کند. او می‌افزاید که جناح دیگر معتقد است که سازش، منجر به روابط بهتر با غرب خواهد شد و این گروه باید در عوض بر تقویت اسلام‌گرایی و تحکیم کنترل خود تمرکز کند.

او می‌گوید: «به نظر می‌رسد که طالبان در به‌کارگیری مجدد سیاست‌هایی شبیه دهه ۱۹۹۰شان یا گام برداشتن در مسیر جدیدی که هنوز هم‌سو با ایدئولوژی آن‌ها است، تقسیم شده‌اند.»

اما سمپل می‌گوید که درگیری‌های درونی طالبان فراتر از مشاجره بر سر سیاست‌ها بوده است. او می‌گوید که جنگ «طالب علیه طالب» را در افغانستان مستند کرده است.

او می‌گوید: «هر تصویری مبنی بر این‌که آن‌ها آن‌قدر متحد هستند که هرگز نتوانند علیه یک‌دیگر بجنگند، بی‌معنا است.»

گزارش سازمان ملل:

تعهد طالبان به جلوگیری از فعالیت القاعده در میان مدت و درازمدت نامشخص است



روزنامه گاردین روز جمعه، ۱۳ جوزا، به نقل از گزارش سازمان ملل متحد نوشته است که بر اساس اطلاعات تأیید نشده، شمار نامعلومی از مقام های القاعده در محله دیپلمات نشین کابل به سر می برند؛ جایی که ممکن است به جلسات وزارت خارجه طالبان دسترسی داشته باشند.

۸ صبح، کابل: سازمان ملل متحد در گزارشی تازه خود از ارتباط طالبان با القاعده و نیز پناهگاه های این شبکه در افغانستان ابراز نگرانی کرده است. روزنامه گاردین روز جمعه، ۱۳ جوزا، به نقل از گزارش سازمان ملل متحد نوشته است که بر اساس اطلاعات تأیید نشده، شمار نامعلومی از مقام های القاعده در محله دیپلمات نشین کابل به سر می برند؛ جایی که ممکن است به جلسات وزارت خارجه طالبان دسترسی داشته باشند. در گزارش سازمان ملل آمده است: «تعهد طالبان به جلوگیری از راه اندازی کمپاین تروریسم بین المللی توسط القاعده در میان مدت و بلندمدت نامشخص است.»

گزارشگران سازمان ملل گفته اند که این گزارش تلاش های طالبان برای مهار القاعده را تأیید می کند؛ اما در عین زمان این نگرانی را مطرح می کند که این تلاش ها ممکن دوام نیاورد.

گزارش سازمان ملل بر اساس اطلاعات ارایه شده توسط کشورهای عضو می گوید که القاعده در افغانستان زیر اداره طالبان آزادی عمل دارد و قادر است در سال های آینده حملات جدیدی از راه دور انجام دهد.

این در حالی است که طالبان بارها داشتن هر گونه رابطه با القاعده را رد کرده و گفته اند که از خاک افغانستان علیه هیچ کشوری استفاده نخواهد شد.

این نگرانی در حالی از سوی سازمان ملل متحد مطرح شده است که روز جمعه، ۱۳ جوزا، انستیتوت مطالعات جنگ از افزایش فعالیت داعش در افغانستان نیز هشدار داد.

فعالیت رسمی شش هزار مدرسه دینی در افغانستان؛

استراتژی طالبان در زمینه آموزش دینی چیست؟



حمیدالله محمدشاه

منبع: الجزیره نت

می شود.

رئیس مدارس دینی در وزارت معارف [طالبان]، عبدالرزاق صدیق، به الجزیره نت می گوید: «امارت اسلامی پلان دارد در هر ولایت یک مدرسه دینی مرکزی تأسیس کند و در آن برای ۵۰۰ تا هزار طالب خوابگاه ساخته می شود و هم چنین در هر ولسوالی مطابق نیاز مردم از ۵ تا ۱۰ مدرسه کوچک ایجاد خواهد شد.»

قرآن، حدیث و زبان عربی

با وجود گسترش روزافزون مدارس دینی در افغانستان، نظام آموزشی یگانه و همه شمول در این کشور وجود ندارد. با این همه، درصد بالایی از این مدرسه ها، نظام درسی دارالعلوم اسلامی دیوبند در شمال هند (سال تأسیس: ۱۸۶۷) را تطبیق می کند. این نظام درسی همان گونه که مؤسسان مدرسه دیوبند گفته اند، بر بنیاد «آموزش قرآن و حدیث و زبان عربی» استوار است. مردم افغانستان در زمینه نظام های درسی مدارس دینی از نهادهای اسلامی آموزشی در هند و پاکستان تقلید می کنند؛ چون این کشورها از نظر جغرافیایی به آن ها نزدیک اند. پس از تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹، بسیاری از مردم این کشور به مدارس دینی پاکستان روی آورده اند.

خاستگاه های طالبان

مدارس دینی در چهار دهه اخیر به عنوان مراکز اصلی برای پرورش افراد تازه نفس برای شرکت در جنگ در صفوف طالبان عمل کرده اند. مدارس دینی در پاکستان و افغانستان نقشی کلیدی در تربیت و بسیج جنگ جویان بر ضد نیروهای خارجی و حکومت پیشین افغانستان ایفا کرده اند. ناظران اوضاع توجه حکومت طالبان به مدارس دینی را راهبرد این گروه برای تربیت نسلی می دانند که به ایدئولوژی طالبان هماهنگ باشد و دوام حاکمیت و گسترش نفوذ آن در جامعه افغانستان را تضمین کند.

یکی از مقام ها در وزارت معارف طالبان با این تحلیل موافق است و بر این نکته تأکید می ورزد که استراتژی جدید طالبان در سکتور معارف بر این اساس استوار است که می کوشد ایدئولوژی خود را به نسل های بعدی منتقل کند.

به گفته این منبع، همین استراتژی قرار است در دانشگاه ها نیز مینا قرار داده شود. به همین دلیل،

ساعات مضمون ثقافت اسلامی افزایش یافته، با آن که این مضمون از سال های قبل بخشی از کریکولم بوده است.

تهدید برای حکومت های پیشین

حکومت پیشین افغانستان مدارس دینی را به عنوان تهدید به حاکمیت خود تلقی می کرد و محتوای درسی و کیفیت آن، همواره محل مناقشه و مورد انتقاد در رسانه های جمعی داخلی و خارجی قرار داشته است.

با توجه به این انتقادها، حکومت افغانستان در سال ۲۰۰۶ برنامه ای جامع را روی دست گرفت برای اصلاح مضمون تربیت اسلامی در مکاتب و دانشگاه ها و نیز اصلاح و نوسازی کریکولم مدارس دینی تا دانش آموزان دینی از رفتن به مدارس دینی پاکستان بی نیاز شوند.

امان الله ایمان، سخنگوی پیشین وزارت معارف، می گوید: «پلانی سنجیدیم در زمینه اصلاح نصاب آموزشی مدارس دینی و در این زمینه اقدام به رسمی سازی مدارس دینی و تخصیص بودجه برای آن ها کردیم. منظور ما این بود که افغان ها به مدرسه های دینی خارج از کشور مراجعه نکنند.» وی افزود: «می خواستیم جوانان به چیزهایی که در زندگی روزمره برای شان مفید است، دسترسی پیدا کنند؛ چرا که نصاب آموزشی دینی، در گذشته به شدت سنتی بود و بر مسایلی تمرکز می کرد که دانش آموز از آن بهره نمی برد، همانند آموزش مضمون منطق و آموزش صرف و نحو زبان عربی، به گونه ای که طالب را قادر به سخن زدن درست به عربی نمی سازد.»

حکومت پیشین افغانستان، فقط بر یک هزار و ۳۰۰ مدرسه نظارت می کرد و بر ۱۳ هزار مدرسه دیگر اشراف و تسلط نداشت.

شمار مدارس دینی ثبت شده در وزارت اوقاف در کل افغانستان بالغ بر پنج هزار و ۲۵ مدرسه می شد. مجموع افرادی که به این مدارس در نه ماه حاکمیت طالبان پیوسته اند، بیش از چهار هزار محصل جدید است.

با این حال، عبدالکریم هارون، یکی از نویسندگان افغانستان، می گوید: «در نزد مردم افغانستان این پرسش مطرح است که چرا طالبان مبادرت به تأسیس و گشایش مدارس دینی بیش تر می کنند، لیکن به مشکلات بزرگی که سکتور تعلیمی به صورت عموم با آن مواجه است، توجهی نمی کنند.»

سال پانزدهم
شماره ۳۶۶۴
یکشنبه
۱۵ جوزای ۱۴۰۱
۵ جون ۲۰۲۲
قیمت: ۲۰ افغانی

بر بنیاد گزارش رسانه‌های بین‌المللی، در پی آتش سوزی در یک انبار کانتینرها در بنگلادیش ۱۶ تن کشته و ده‌ها نفر دیگر زخمی شده‌اند. خبرگزاری رویترز، روز یکشنبه، ۵ جون گزارش داده است که دامنه آتش سوزی گسترده بوده است. بر بنیاد معلومات نشر شده از سوی رویترز، این آتش سوزی در یک انبار در جنوب شرقی بنگلهدیش اتفاق افتاده است و علت آن تا هنوز معلوم نیست. آمارهای ابتدایی نشان می‌دهد که در این آتش سوزی تا حالا دست کم، ۱۶ تن جان باخته‌اند و ۱۵۰ زخمی به شفاخانه منتقل شده‌اند.

احضار سفیر یونان در انقره؛ ترکیه از فعالیت‌های حزب کارگران کردستان ابراز نگرانی کرد

ترکیه و یونان بر سر بسیاری از مسایل،
از جمله تعیین حدود مرزی در دریای
مدیترانه و دریای اژه با یکدیگر اختلاف
دارند.



وزارت خارجه ترکیه، سفیر یونان در انقره را به دلیل نگرانی از فعالیت گروه حزب کارگران کردستان که این کشور آن را «غیرقانونی» می‌داند، احضار کرد. مقامات ترکیه در خصوص فعالیت‌های حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) که شامل تبلیغات، جمع‌آوری کمک‌های مالی و جذب نیرو در یونان می‌شود، مراتب ناراحتی خود را اعلام کرده‌اند.

به نقل از یورونیوز، مقامات ترکیه همچنین در مورد تظاهرات اخیر در نزدیکی سفارت ترکیه در آتن توسط هواداران حزب کارگران کردستان و تأمین امنیت اتباع ترکیه در یونان ابراز نگرانی کردند. ایالات متحده و اتحادیه اروپا حزب کارگران کردستان را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده‌اند. ترکیه و یونان بر سر بسیاری از مسایل، از جمله تعیین حدود مرزی در دریای مدیترانه و دریای اژه با یکدیگر اختلاف دارند.

هرچند سال گذشته گفت‌وگوهای سیاسی میان ترکیه و یونان پس از پنج سال وقفه از سر گرفته شد، اما رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه اعلام کرد که انقره از مذاکرات سطح بالا با آتن منصرف شده است.

نگرانی‌های ترکیه از فعالیت‌های حزب کارگران کردستان در خارج از این کشور به حدی است که محدود کردن اعضای این حزب در سویدن و فنلند به‌عنوان یکی از شروط ضمنی ترکیه برای موافقت با درخواست این دو کشور اسکاندیناوی برای پیوستن به پیمان دفاعی ناتو عنوان شده است.

بایدن سفرش به عربستان و اسرائیل را به تاخیر انداخت



کرده که آقای بایدن ترتیبات سفر به کشورهای بیشتر در خاورمیانه را گرفته است. آن‌بی‌سی افزوده که سفر در ماه آینده میلادی انجام خواهد شد و در جریان آن، بایدن علاوه بر بازدید از اسرائیل، در نشست شورای همکاری خلیج فارس نیز شرکت خواهد کرد. جو بایدن تا هنوز به ریاض سفر نکرده است. این در حالی است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، نخستین سفر خارجی‌اش را به عربستان انجام داد.

شبکه امریکایی ان‌بی‌سی، به نقل از منابعی در دولت امریکا گزارش داده است که سفر جو بایدن، رئیس‌جمهور این کشور، به عربستان سعودی و اسرائیل به تاخیر افتاده است. این در حالی است که در هفته‌های اخیر برخی از رسانه‌های امریکایی به نقل از منابعی گفته بودند که بایدن در حال برنامه‌ریزی سفر به این دو کشور است. کاخ سفید اما تاکنون به‌گونه رسمی سفر بایدن به عربستان و اسرائیل را تأیید نکرده است. آن‌بی‌سی به نقل از دو مقام ارشد دولت امریکا گزارش

رهبر ایران:

دشمنان برای سرنگونی جمهوری اسلامی ناآرامی ایجاد می‌کنند



به نقل از رویترز، خامنه‌ای گفته که مهم‌ترین تلاش دشمنان ایران ضربه‌زدن به این کشور از طریق راه‌اندازی اعتراض‌های مردمی است. خامنه‌ای اما تأکید کرده که محاسبات دشمنان ایران اشتباه است. اشاره خامنه‌ای به اعتراض‌های شهروندان ایران به گرانی و فروریزی ساختمان متروپل در جریان ماه گذشته میلادی است که از سوی حکومت این کشور سرکوب شد.

به گزارش رسانه‌های بین‌المللی، رهبر جمهوری اسلامی ایران گفته است که دشمنان این کشور به‌خاطر سرنگونی جمهوری اسلامی ناآرامی ایجاد می‌کنند. آژانس خبری رویترز روز شنبه، ۴ جون، گزارش داده است که آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران در یک نطق تلویزیونی گفته است که دشمنان این کشور برای سرنگونی دولت ایران، ناآرامی ایجاد می‌کنند.

پس از دو سال وقفه در مراسم حج، اولین گروه زایران وارد عربستان شدند

سراسر کشورهای اسلامی برگزار می‌شد. اینک مقام‌های عربستان گفته‌اند که محدودیت‌های سفر برداشته شده و از این به بعد آماده پذیرش زایران حج هستند. پیش از این وزارت حج و اوقاف اداره طالبان نیز اعلام کرده بود که امسال ۱۳ هزار و ۵۰۰ زایر از افغانستان برای ادای مراسم حج به عربستان خواهند رفت.

نخستین گروه از زایران حج، روز شنبه، ۴ جون، وارد عربستان سعودی شدند. محمد آل بیجاوی، وزیر حج عربستان سعودی، گفته است که این حجاج از اندونزییا هستند و به شهر مدینه رسیده‌اند. این در حالی است که به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا، دو سال پی‌هم مراسم بزرگ حج برگزار نشد؛ مراسمی که با حضور نزدیک به دو میلیون زایر از



مراسم سالگرد سرکوب میدان تیان‌آن‌من در هانگ کانگ؛ پولیس چندین تن را بازداشت کرد

مقام‌های هانگ کانگ، روز شنبه چندین نفر را که تلاش داشتند مراسم بزرگداشت سی‌وسومین سالگرد سرکوب تیان‌آن‌من را برگزار کنند، بازداشت کردند.

به نقل از یورونیوز، سرزمین هانگ کانگ که از سال ۲۰۱۹ تحت نظارت پکن قرار گرفته بود و با تصویب قانون امنیت ملی، عملاً قوانینی که در سرزمین اصلی چین اعمال می‌شود، در هانگ کانگ نیز اجرا می‌شود.

اکنون ده‌ها نیروی پولیس روز شنبه در هانگ کانگ چندین نفر از کسانی که تلاش داشتند مراسم یادبودی برای سالگرد این سرکوب دولت مرکزی چین برگزار کنند، بازداشت کرده‌اند.

پولیس هنوز به صورت رسمی تعداد افراد بازداشت‌شده را اعلام نکرده است.

مقام‌های هانگ کانگ پیشتر هشدار داده بودند که شرکت در گردهمایی‌های غیرمجاز روز شنبه می‌تواند با مجازاتی حتماً تا ۵ سال زندان همراه باشد.

نیروهای امنیتی هم‌چنین بخش‌های بزرگی از پارک ویکتوریا را که زمانی محل تجمع مردم و هم‌چنین روشن کردن شمع بود، مسدود کرده بودند.

در ۹ جولای سال ۱۹۸۹، ارتش چین با گسیل تانک‌ها و نیروهای امنیتی، تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم معترض را سرکوب کردند.

هرچند چین تا کنون آمار دقیقی از تعداد افرادی که در آن تظاهرات کشته شدند را نشر نکرد، اما برآوردهای سازمان‌های حقوق بشری از چند صد نفر تا هزاران نفر متفاوت است.

هانگ کانگ نیمه خودمختار پیش از سال ۲۰۱۹ تنها مکانی در چین به شمار می‌رفت که در آن مراسم یادبود این رخداد در مقیاسی وسیع برگزار می‌شد.